



۲۰۱۳/۰۶/۲۶

داکتر سيدخليل الله هاشميان

## اشتباہات طالبان و عکس العمل افغان ها

ما نمی دانیم دفتر "دوحه" توسط کدام یک از گروه های طالبان تدویر می شود؟! امر مسلم این است که دفتر "دوحه" در اثر دیپلوماسی مؤفق پاکستان تأسیس شده و شواهد می رساند که در تدویر آن (آی. اس. آی.) پاکستان دست فراخ دارد. همین اشتباه بزرگ که طالبان بیرق سفید و عنوان (امارت اسلامی) را در اول مرحله بلند کردند، اغلباً دستور پاکستان بوده و مقوله «اول پیاله و درد» را تداعی می کند.

این اقدام خام در حالیکه عدم وقوف و عدم تحلیل گروه دوحه را از ذهنیت عامه مردم افغانستان و موقف جامعه بین المللی برملا می سازد، بیانگر اطاعت پذیری گروه دوحه از تصمیم و فشار امریکا می باشد، چونکه به سرعت بیرق و عنوان خود را پائین آوردند:

### ""چرا کاری کند عاقل که بار آرد پشیمانی!""

اینکه ملا محمد عمر اگر زنده باشد در خاک پاکستان و بنا برآن در تصرف پاکستان می باشد، اظهر من الشمس است. افواه مربوط به زنده نبودن او را باید شخص ملا محمد عمر در یک مصاحبه مطبوعاتی یا تلویزیونی زایل سازد و هم بگوید که گروه دوحه از او و مطالباتش نمایندگی می کند. در غیرآن، این تصور تقویت می یابد که گروه دوحه آله دست پاکستان بوده و مستقل از شورای کویته عمل می کند. حمله دیروز به دروازه ارگ ریاست جمهوری و چهارراهی شش درک، جایی که دفتر (سی. آی. آی.) قرار دارد، به نظر من به امر شورای کویته و همکاری (آی. اس. آی) صورت گرفته و بیانگر این واقعیت است که شورای کویته با گروه دوحه ارتباطی ندارد: این حمله در حقیقت اعتراض شورای کویته برموقف گروه دوحه پنداشته می شود، زیرا عقل سلیم قبول نمی کند که از یک طرف ادعای آمادگی برای مذاکرات صلح با امریکا و حکومت کابل از طرف گروه دوحه (با پائین آوردن بیرق و عنوان) اعلان شود، و از جانب دیگر به روز دیدار نماینده خاص امریکا با رئیس جمهور کرزی درکابل، این حمله صورت بگیرد؟! این حمله باید از جانب گروه دیگری برای تخریب موقف گروه دوحه صورت گرفته باشد!!

بیرق ملی مردم افغانستان بیرق سه رنگ (سیاه و سرخ و سبز با محراب و منبر) می باشد، نه بیرق سفید طالبان! و نام و عنوان کشور افغانستان (جمهوری اسلامی افغانستان) است، نه "امارت اسلامی افغانستان"! در کدام کشور عربی و اسلامی در حال حاضر می توان عنوان "امارت اسلامی" را سراغ نمود؟ "امارت" مستلزم "امیر" است، و از نام "امیر" بوی منفور مطلق العنانی به مشام می رسد که واقعات تاریخ قرن ۱۸ و ۱۹ افغانستان شاهد این مدعاست! ما دیدیم که لقب مصلحتی «امیرالمومنین» نیز از یکجانب دیکتاتوری و از جانب دیگر پیروی از تصمیمات اجانب را در برداشت: اصنام بامیان که یک عجوبه فرهنگی افغانستان بود، به مشوره اسامه بن لادن تخریب گردید!

در افغانستان قرن ۲۱ "امیر" و "امارت" گنجایش ندارد، بلکه زعامت ملی باید از طریق انتخابات ملی رویکار آید. دو دوره انتخابات نا سالم و مملو از غش در ۱۲ سال گذشته یک حکومت "شتر - گاو - پلنگ" را در افغانستان مسلط ساخت و یک قشر نا سالم، خود خواه و "جیب پرست" زعامت را بدست گرفت، ولی مردم افغانستان همان طوری که از اثر ندانم کاری های رژیم طالبان متأثر بودند، از بی تفاوتی، چور و فساد ۱۲ سال اخیر نیز به ستوه آمده و نفرت دارند، معهدا اعتماد مردم از دیموکراسی و انتخابات زایل نگردیده و انتظار دارند انتخابات سال ۲۰۱۴ شفات و بی غش و عاری از تقلب انجام یابد.

رژیم سابق طالبان که در اثر اشتباهات و خود کامگی های خود قیادت و سیادت تاریخی قوم پښتون را در افغانستان مضمحل ساخت، اکنون باید دین خود را برای اعاده حیثیت قوم پښتون ادا کند، و برای اینکار راه دیگری غیر از مذاکره و مفاهمه با رژیم کابل و اشتراک در انتخابات آزاد وجود ندارد. قابل تذکر می داند که در ۱۲ سال گذشته دختر و پسر پښتون یا در مقابله با قوای اشغالگر و یا به انفجار انتحاری جان باخته و یا بسرگین سازی و چوب

د پانو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دليکنې دليکنيزې ښې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

چلک مصروف بوده و از تعلیم و تربیت محروم مانده اند - در مقابل آن، دختر و پسر تاجک، هزاره و ازبک دیپلوم ماستری یا داکتری بدست آورده اند که جای مسرت و افتخار است. آینده کشور بدست طبقه تحصیل یافته و روشنفکر خواهد بود، نه بدست خوش باورانی که در طلسم (آی. اس. آی) گیر مانده و روزمره قربانی می شوند. طالبان باید از بین خود یک نفر را با مطالبات معقول و امکان پذیر برای انتخابات ۲۰۱۴ کاندید کنند. در صورتیکه ادعا می شود که مردم افغانستان طرفدار بازگشت حکومت طالبی می باشند، پس چرا نباید در انتخابات اشتراک نشود؟؟ و اگر از بین خود و از جمله اعضای شورای کویته یا از جمله طالبان داخل افغانستان شخصی را کاندید نمی کنند، یک نفر مسلمان شناخته شده از هموطنان قندهاری خود را کاندید کنند و برای موفقیت او به کامپین انتخاباتی شامل شده، مانند سایر گروه ها آزادانه کار کنند و از راه انتخابات قدرت را بدست بگیرند. یک نفر مسلمان شناخته شده و تحصیل یافته از پښتون های قندهار و مقیم کابل را که من می شناسم، جناب داکتر فاروق اعظم می باشد که سوابق و مبارزات جهادی او به همگان معلوم است. عدم اشتراک طالبان در انتخابات آینده، چانس اعاده حیثیت قوم پښتون و چانس تعلیم و تربیت اولاد پښتون را برای ده سال دیگر به تعویق می اندازد و مسؤولیت این غفلت کلاً بدوش طالبان می باشد. اشغالگران ناتو هرگز به رویکار آمدن طالبان از راه جنگ حاضر نمی شوند و در نتیجه بعد از ۲۰۱۴ نیز برای دوام جنگ به اشکال مختلف در افغانستان باقی می مانند.

مردم افغانستان، بشمول طبقه روشنفکر قوم پښتون، و سایر روشنفکران افغانستان، انتظار دارند نکته مهم در مذاکرات صلح بین طالبان و حکومت کابل - از جانب هر دو طرف - منافع علیای افغانستان مدنظر باشد، نه مسابقه برای بدست آوردن چوکی و قدرت! امریکا در هر قدم خود منافع خودش را تعقیب میکند، نه منافع طالبان یا حکومت کابل و یا افغانستان را! باید ملتفت شویم وقتی امریکا اولین شرط مفاهمه و مصالحه با طالبان را « ترک کامل مناسبات طالبان با القاعده» عنوان می کند، این مطالبه کاملاً به نفع امریکا است، نه به نفع افغانستان! این تقاضا وقتی به نفع افغانستان می بود که گفته می شد: «طالبان هر نوع مناسبات را با القاعده و (آی. اس. آی). پاکستان قطع کنند!» امریکا ازین خندق ماهی خود را می گیرد، ولی خندق را به منظور تهدید یک افغانستان مستقل، افغانستان ایکه نظرات و منافع امریکا را در برابر همسایگانش (خصوصاً ایران و چین) همیشه رعایت نماید، همان طور متعفن و خون آلود نگه می دارد! مذاکرات صلح و رسیدن به یک موافقه و تفاهم نه تنها بین طالبان و حکومت کابل ضروری می باشد، بلکه بین حکومت کابل و امریکا نیز باید مذاکرات جدی صورت بگیرد تا در قید و شرط خود نه تنها "طرد القاعده" بلکه "طرد پاکستان" را نیز شامل سازد، تا یک افغانستان آرام و مستقل بوجود آید.

من در ۱۲ سال گذشته به دفاع از حقوق غصب شده قوم پښتون قلم و قدم زده ام که صفحات مجله آئینه افغانستان شاهد آنست، اما هیچگاه منافع علیای افغانستان را با منافع قومی و گروهی، یکسان نشمردم. امروز وقت آنست که به منظور حفظ افغانستان بحیث یک کشور یک پارچه و غیر قابل انقسام در روی نقشه دنیا، در قدم اول از منافع علیای افغانستان، با حفظ بیرق و عنوان آن، دفاع شود، نه از تسلط برچوکی و قدرت و مطالبات قشری و قومی. و من الله التوفیق.

داکتر سید خلیل الله هاشمیان - مدیر مسئول مجله آئینه افغانستان - ۲۵ جون ۲۰۱۳

د پانو شمیره: له ۲ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولی